خط‌کشی‌های کاذب چطور دنیای آرمان‌خواهان را کوچک می‌کند

آرمانگرایی علیه دوقطبی

فرهیختگان

«دوقطبی تجربه‌ای خطرناک است»، «دوقطبی مضر است»، «دوقطبی مردم را دلزده می‌کند.» با وجود تاکید چندباره رهبر انقلاب بر لزوم پرهیز از دو قطبی کردن فضای جامعه اما هنوز هستند کسانی که خود را معیار حق و باطل می‌دانند و با عبارات گزنده مردم را آزار می‌دهند. چنین مجادله‌هایی در ایام انتخابات شدت بیشتری نیز می‌گیرد. برخی گروه‌های سیاسی تهی از ایده‌های ایجابی برای اینکه ضعف محتوایی خود را جبران کنند با مشی افراط‌گرایانه هر نظر مخالف خود را در چهارچوب ضدیت با نظام دسته‌بندی و برخورد حداکثری با آن را تجویز می‌کنند. رهبر انقلاب اما این‌گونه دسته‌بندی‌ها را بارها نفی کرده‌اند. ایشان در آخرین مورد روز چهارشنبه در دیدار با بسیجیان سراسر کشور پرهیز از دوقطبی‌های کاذب را مورد تاکید قرار دادند و افزودند: «برخی اظهارات در فضای مجازی و جدا کردن مردم تحت عناوینی مانند «طرفدار این یا آن»، واقعا جای گله دارد؛ کسانی که دین و مبانی و انقلاب و ولایت فقیه را قبول دارند، با هر اختلاف سلیقه برادرهای شما هستند و نباید دچار دودستگی شد.» بیانات رهبر انقلاب به‌ویژه در فضای چند روز اخیر جامعه که برخی چهره‌ها مدام با طرح اظهارات شکاف‌زا امنیت روانی جامعه را به خطر انداخته‌اند می‌تواند بسیار راهگشا باشد و افق‌هایی فراتر از مرزبندی‌های سطحی‌نگرانه را بازنمایی کند.

دوگانه‌های جعلی حتی در سطح منطقه هم موضوعیت ندارند

راهبرد نظامی برای اشغال و استعمار کشورها سال‌هاست مشروعیت خود را از دست داده، به همین دلیل دولت‌های استعمارگر دیگر امکان استفاده علنی از این راهبرد را ندارند، مگر اینکه بخواهند قید آبرو و اعتبار خود را در افکار عمومی بزنند. دقیقا مشابه اتفاقی که هم‌اکنون در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در جریان است. رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن برای اینکه بتوانند سرزمین فلسطین را تحت سلطه خود داشته باشند قید مشروعیت بین‌المللی را زده و کشتار کودکان و زنان را نیز «دفاع از خود» اسرائیل قلمداد می‌کند. خروج این راهبرد را می‌توانیم در تجمعات پرتراکم حامیان فلسطین در خیابان‌های اروپا و آمریکا ببینیم. با از کار افتادن ابزار زور دولت‌های استعمارگر شیوه‌های جدید را برای استفاده کم‌هزینه از منابع سرزمین‌های مختلف به کار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین راهبردهای دولت‌های غربی برای جلوگیری از توسعه کشورها و استعمار منابع آنها راهبرد ایجاد تفرقه و شکاف بین مردم آن سرزمین است. این سیاست به‌ویژه درمورد کشورهای مسلمان بیشتر به کار گرفته شده است. غربی‌ها با سوءاستفاده از تفاوت‌های مذهبی و نژادی سعی داشته‌اند کشورهای مسلمان را در تقابل با یکدیگر قرار دهند تا از این طریق هم مانع از بهره‌مندی حداکثری این کشورها از منابع خود و هم مانع شکل‌گیری اجماع مجدد دولت‌های اسلامی علیه رژیم صهیونیستی شوند و امنیت آن را تضمین کنند. این دوگانه جعلی اما تا حد زیادی فروپاشیده و عملیات طوفان الاقصی نیز کاری‌ترین ضربه را به آن وارد آورده است. رهبر انقلاب در دیدار روز چهارشنبه ضمن آنکه «به‌هم ریختن دوگانه‌های جعلی و تحمیلی در منطقه» را یکی از خصوصیات غرب آسیای جدید توصیف کردند، موضوع از بین رفتن دوگانه‌های جعلی را نیز این‌گونه تشریح کردند: «دوگانه‌های «عرب و غیرعرب»، «شیعه و سنی» و افسانه هلال شیعی، رنگ باخته که نمونه واضح آن در قضیه فلسطین است؛ چراکه در طوفان الاقصی و قبل از آن، بیشترین کمک را به فلسطینیان شیعیان عرب و غیرعرب کرده‌اند.»

بلندپروازانه نگاه کنیم

رهبر انقلاب پس از آنکه از بین رفتن دوگانه‌های جعلی در منطقه را تشریح کردند، در توصیف دوگانه واقع و راهبردی جدیدی که در منطقه شکل گرفته است، فرمودند: «در مقابل آن دوگانه‌های تحمیلی، دوگانه جدیدی به نام مقاومت و تسلیم بر منطقه حاکم شده است و امروز جریان مقاومت یعنی تسلیم نبودن دربرابر زورگویی، زیاده‌خواهی و دخالت‌های آمریکا، یک جریان واضح در منطقه است.» جریان مقاومت دربرابر زیاده‌خواهی‌ها حتی از سطح منطقه نیز فراتر رفته و اکنون هسته‌های مقاومت در سطح جهان یقه آمریکا و سایر دولت‌های مستکبر را گرفته است. رهبر انقلاب این موضوع را این‌گونه مورد اشاره قرار دادند: «بشارت امام بزرگوار درباره «تشکیل هسته‌های مقاومت جهانی» امروز در منطقه محقق شده و هسته‌های مقاومت درحال تغییر سرنوشت منطقه هستند که یک نمونه آن، همین طوفان الاقصی است.» در شرایطی که فضای منطقه از دوگانه‌های جعلی عبور کرده، برخی در کشور هنوز سعی در تداوم رویکرد ارتجاعی خویش دارند و دوگانه‌های منسوخ را بازسازی می‌کنند. حال آنکه برای اثرگذاری در سطح جهان و گسترش هرچه بیشتر راهبرد مقاومت دربرابر زورگویی پیش از هر چیز باید دعواهای بی‌نتیجه داخلی کنار گذاشته شود. امری که منافع جناحی و حب و بغض‌های مانع از تحقق آن است.

مشارکت همه آحاد مردم

دولت‌های غربی در اجرایی ساختن راهبردهای امنیتی و سیاسی ضدایرانی خود همواره منتظر بهانه‌هایی هستند که بتوانند با مصرف آن نزاعی بین مردم با مردم یا مردم با ساختار حکمرانی به‌وجود بیاورند. این نزاع فرسایشی از این جهت که همبستگی ملی در توسعه کشور را از بین می‌برد مطلوب آنها محسوب می‌شود. مشارکت حداکثری در انتخابات از آنجا که پیام همبستگی ملی را به جهان منتقل می‌کند تا حد زیادی می‌تواند انگیزه‌های خصمانه را از بین ببرد. صدور چنین پیامی به‌ویژه در اولین انتخابات پس از آشوب‌افکنی‌های ۱۴۰۱ بسیار موثر عمل می‌کند. افزایش امید اجتماعی مهم‌ترین لازمه تحقق مشارکت حداکثری است که درنتیجه افزایش میزان رضایت نسبت به عملکرد نهادهای حکمرانی حاصل می‌شود. طبعا دامن زدن به دوقطبی‌های کاذب نمی‌تواند چنین هدفی را محقق کند.

عدم ایجاد دوقطبی؛ بایسته‌ای دائمی نه گزاره‌ای فصلی

تاکید رهبر انقلاب بر مخرب بودن دوقطبی‌های کاذب موضوعی جدید نیست که در چند وقت اخیر مطرح شده باشد. ایشان تاکنون به مناسبت‌های مختلف این موضوع را مورد اشاره قرار داده‌اند. خرداد ماه سال ۹۶ ایشان در دیدار با جمعی از مسئولان نظام «دوقطبی شدن کشور» و «دودستگی مردم» را تجربه‌ای خطرناک دانستند و افزودند: «در سال ۵۹، رئیس جمهور وقت جامعه را دوقطبی، و مردم را به دو دسته مخالف و موافق تقسیم کرد که نباید این تجربه تکرار شود.» رهبر انقلاب اسلامی «فاصله‌گذاری واضح با دشمن» را زمینه‌ساز وحدت ملی دانستند و بیان داشتند: «مسئولان باید با دشمن خارجی و عوامل داخلی او فاصله‌گذاری جدی کنند.» ایشان با یادآوری تجربه تلخ حوادث سال ۸۸ گفتند: «در آن حوادث عده‌ای در خیابان‌ها به صراحت علیه اساس انقلاب و باورهای دینی شعار دادند و چون با آنها مرزبندی و فاصله‌گذاری نشد مشکلات ادامه یافت.» رهبر انقلاب شهریور ماه سال ۹۳ نیز در دیدار با اعضای هیات دولت اجتناب از دوقطبی را این‌گونه متذکر شدند: «جناح‌بندی‌های سیاسی اشکالی ندارد اما نباید جامعه را به دو قطب تبدیل کرد زیرا این کار موجب دل‌زدگی و خستگی مردم و شکننده شدن محیط جامعه می‌شود.»

مردم چه مجلسی می‌خواهند

پرهیز از ایجاد دوقطبی در نگاه رهبر انقلاب صرفا به فضای اجتماعی محدود نمی‌شود. ایشان اسفند ماه ۹۷ در دیدار با مردم نجف‌آباد ایجاد دوقطبی در بین نهادها را نیز مخرب دانسته و بیان می‌کنند: «دوقطبی مجلس دولتی و مجلس ضد دولتی؛ کأنّه در ایران یک عده طرفدار مجلس دولتی‌اند، یک عده طرفدار مجلس ضد دولتی‌اند؛ نه، ملت ایران نه مجلس دولتی می‌خواهند، نه مجلس ضددولتی می‌خواهند؛ ملت ایران مجلسی می‌خواهند که به وظایف خودش آشنا باشد؛ بداند که چه برعهده اوست در قانون اساسی؛ متعهد باشد، متدین باشد، شجاع باشد، مرعوب آمریکا نباشد؛ علاقه‌مند واقعی به پیشرفت کشور باشد، پیشرفت کشور را در تربیت علمی جوانان با استعداد این کشور و این ملت بداند. این جور مجلسی را می‌خواهند؛ مجلسی که درد مردم را بشناسد، درد کشور را بشناسد، درصدد درمان و علاج آن دردها باشد.»

خالص‌سازی جعلی

شنیده شدن عبارت «مملکت مال حزب‌اللهی‌هاست» از زبان برخی کاندیداهای احتمالی انتخابات مجلس بیش از آنکه ریشه در دغدغه‌های اجتماعی داشته باشد ریشه در منافع سیاسی افرادی دارد که تلاش دارند عدم توانایی سیاسی خود در کسب مقبولیت اجتماعی را با حذف سایر رقبا دنبال کرده و فشار ناتوانی خود را به نهادهای نظارتی تحمیل کنند. رهبر انقلاب اما این رویکرد را نفی کرده و کلیدواژه خالص‌سازی به معنای تفتیش عقاید و جداسازی افراد از دایره انقلاب و نظام را این‌گونه بی‌اعتبار می‌کنند: «در صدر اسلام، خب، با پیغمبر اکرم یک عده بودند؛ سلمان بود، اباذر بود، ابی‌بن‌کعب بود، عمار بود، کی بود، کی بود؛ اینها درجه اول و خالص‌ترین‌ها بودند؛ عده‌ای دیگر از اینها یک مقداری متوسط‌تر بودند؛ یک عده‌ای بودند که گاهی اوقات پیغمبر حتی به اینها تشر هم می‌زد. اگر فرض کنید پیغمبر در همان جامعه چندهزارنفری -که کار خالص‌سازی خیلی آسان‌تر بود از یک جامعه هفتاد میلیونی کشور ما- می‌خواست خالص‌سازی کند، چه کار می‌کرد؟ چی برایش می‌ماند؟ آن‌که یک گناهی کرده، باید می‌رفت؛ آن‌که یک تشری شنفته، باید می‌رفت؛ آن‌که در یک وقتی که نباید از پیغمبر اجازه مرخصی بگیرد، اجازه‌ی مرخصی گرفته، باید می‌رفت؛ آن‌که زکاتش را یک خرده دیر داده، باید می‌رفت؛ خوب، کسی نمی‌ماند. امروز هم همین‌جور است. اینجوری نیست که شما بیایید افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به بهانه اینکه می‌خواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هرچه می‌توانید، دایره خلصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است. از خودتان شروع کنید؛ دور و بر خودتان، خانواده خودتان، دوستان خودتان، تشکل خودتان، بیرون از تشکل خودتان. هرچه می‌توانید، در حوزه نفوذ تشکل خود، برای بالا آوردن میزان خلوص‌های فردی و جمعی تلاش کنید؛ که نتیجه آن، خلوص روزافزون جامعه شما خواهد شد. راه خالص کردن این است.»

درباره ملزومات و پیامدهای یک نظرسنجی انتخاباتی

این ۳۵ درصد را چطور خوانش کنیم؟

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

هنوز شورای نگهبان نتایج نهایی بررسی صلاحیت داوطلبان را اعلام نکرده است. هیات‌های اجرایی نیز نتایج اولیه‌ای از بررسی صلاحیت‌ها اعلام کردند که ممکن است بعد از اعتراض داوطلبان نتایج صلاحیت آنها تغییر کند. با این حال و درحالی که سه ماه تا انتخابات باقی مانده همچنان نگرانی جدی، میزان مشارکت مردم در انتخابات اسفند است. امری که کاهش آن در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ مشاهده شد و باتوجه به اینکه در انتخابات‌های مجلس معمولا میزان مشارکت مردم در مقایسه با انتخابات ریاست جمهوری کمتر است، اما احتمال تاثیرگذاری برخی نارضایتی‌های موجود در جامعه بر این میزان موثر خواهد افتاد، بر این اساس میزان مشارکت در انتخابات اسفند، اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. در این بازه سه ماهه باقی مانده تا اسفند ماه مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نظرسنجی درباره میزان اقبال مردم به مشارکت با جامعه آماری ۵۰۸۶ نفر منتشر کرده که نشان می‌دهد نگرانی درباره کاهش میزان مشارکت، چندان بی‌علت نیز نبوده است.

میزان مشارکت مردم در انتخابات ۳۵ درصد خواهد بود

برمبنای نتایجی که موج اول این پیمایش با جامعه آماری ۵۰۸۶ نفر و در میان شهروندان بالای ۱۸ سال، پیرو میزان اقبال مردم به مشارکت در انتخابات برگزار شده است، ۲۷٫۹ درصد از مردم اظهار کردند که قطعا در انتخابات شرکت خواهند کرد، ۷٫۴ درصد از مردم اعلام کردند که به احتمال زیاد در انتخابات شرکت می‌کنند. بر این مبنا می‌توان گفت تقریبا ۳۵٫۳ درصد از مردم قطعا و حتما در انتخابات شرکت می‌کنند. ۲۱٫۹ درصد از مردم نیز اعلام کرده‌اند که هنوز در این رابطه تصمیم نگرفته‌اند، ۶٫۸ درصد از مردم نیز اعلام کردند که احتمال کمی دارد که شرکت کنند. بر این اساس تقریبا ۲۸٫۹ درصد از مردم هنوز درباره مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات تصمیم جدی نگرفته‌اند. برمبنای این نظرسنجی نیز ۳۶ درصد مردم گفته‌اند که به هیچ‌وجه در انتخابات مشارکت نمی‌کنند.

نگرانی درباره میزان مشارکت همچنان وجود دارد

برمبنای موج اول پیمایش نظرسنجی می‌توان گفت، نگرانی‌ها درباره میزان مشارکت همچنان به وقت خود باقی است. در این میان تقریبا ۳۶ درصد از مردم به‌طور قطعی در انتخابات مشارکت نخواهند کرد، در سمت دیگر و ادامه نظرسنجی اما بخشی از جامعه آماری هنوز درباره مشارکت یا عدم مشارکت تصمیم جدی نگرفته‌اند امری که نشان می‌دهد نوع کنش‌های انتخاباتی احزاب و نهادهای نظارتی انتخاباتی و فضا و جو موجود در کشور در تصمیم‌گیری بخشی از جامعه برای مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات موثر خواهد بود و جلب رضایت این بخش از جامعه که هنوز درمورد مشارکت در انتخابات تصمیم جدی نگرفته است، این احتمال را تقویت می‌کند که میزان مشارکت در انتخابات اسفند، به بالای ۵۰ درصد برسد. نکته قابل توجهی که باید در این میان به آن اشاره کرد این است که هنوز فضای سیاسی کشور به‌طور جدی وارد حال و هوای انتخاباتی نشده است، شورای نگهبان هنوز نتایج قطعی بررسی صلاحیت‌ها را اعلام نکرده است و احزاب و جناح‌های سیاسی نیز به‌طور آشکار از استراتژی انتخاباتی خود رونمایی نکرده‌اند. براین اساس نمی‌توان به‌طور قطع این موضوع را مورد توجه قرار داد که میزان مشارکت در انتخابات اسفند حتما ۳۵ درصد خواهد بود؛ چراکه بخش زیادی از نتایج و تصمیمات در چند هفته منتهی به انتخابات گرفته می‌شود و این امر قابل پیش‌بینی بودن میزان مشارکت به‌طور دقیق را کمی سخت می‌کند، اگرچه نمی‌توان این موضوع را فراموش کرد که برخی تصمیمات و نارضایتی‌های موجود در میان افکار عمومی در افزایش یا کاهش میزان مشارکت موثر خواهد بود، اما اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها، توسط شورای نگهبان و ایجاد فضای باز سیاسی برای رقابت انتخاباتی می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر افزایش این میزان داشته باشد. برای بررسی میزان مشارکت با محوریت نظرسنجی مرکز افکارسنجی ایسپا و عواملی که بر کاهش یا افزایش میزان مشارکت در سه ماه باقی مانده تا انتخابات تاثیرگذار است با ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

نمی‌توان گفت حتما میزان آن ۳۵ درصد خواهد بود

ناصر ایمانی با اشاره به نتایج نظرسنجی که ایسپا منتشر کرده این نکته را مورد اشاره قرار می‌دهد که هنوز سه ماه تا برقراری فضای انتخاباتی در کشور باقی مانده و نتایج واقعی در انتخابات عمدتا افزایشی خواهند بود، وی گفت: «اگر بتوانید مراجعه‌ای به انتخابات‌های گذشته مشخصا مجلس شورای اسلامی بیندازید، می‌توان گفت نظرسنجی‌هایی که حدود سه ماه قبل از انتخابات برگزار شده است با آن چیزی که نتایج مشارکت پای صندوق‌های رای رقم خورده است فاصله معناداری داشته است. شاید در نظرسنجی‌ها میزان مشارکت ۴۰ درصد بوده است اما در انتخابات‌ها مشارکت ۶۰ درصد رقم خورده است. علت آن هم کاملا طبیعی است. در انتخابات‌های مجلس به این خاطر که رقابت در حوزه‌های انتخاباتی و به خصوص حوزه‌های انتخاباتی متوسط و کوچک صورت می‌گیرد، چون رقابت‌های منطقه‌ای بعضا قومی وجود دارد باعث پرشور شدن حضور مردم می‌شود اما الان هنوز ترکیب کاندیداها معلوم نیست، پس این امری طبیعی است که سه ماه قبل از انتخابات حضور مردم در انتخابات آن‌طور که باید شکل نگرفته باشد. امیدوار هستیم این رقم مشارکت که نظرسنجی‌ها آن را نشان می‌دهند به این دلایل، بالاتر برود. معمولا هم فضای انتخاباتی در هر دوره از حدود دو سه هفته قبل از انتخابات‌ها به طور جدی شکل می‌گیرد. بنابراین الان مقداری زود است که بخواهیم بگوییم میزان مشارکت قطعا همین مقدار خواهد بود. اما واقعیت است که میزان مشارکت‌نگران‌کننده است، ولو اینکه آنچه درباره ایجاد فضای انتخاباتی گفتیم، اتفاق بیفتد، بازهم این نگرانی درباره میزان مشارکت وجود دارد و علت آنهم به موارد متعددی برمی‌گردد که عمدتا در فضای کشور، اتفاق افتاده است. مساله ناامیدی مردم، اینکه مردم نسبت به توانایی و کارآمدی مجموعه دستگاه حکمرانی مقداری تردید دارند، مساله وضعیت اقتصادی کشور و عوامل متعدد دیگر، باعث شده در این چند سال اخیر مقداری فضای رکود و رخوت بر کشور سایه بیندازد. شما نگاه بکنید، در انتخابات قبلی در ۱۴۰۰ که انتخابات ریاست جمهوری بود، بازهم مساله مشارکت، نگران‌کننده بود. الان که دوسال گذشته این وضعیت بهتر نشده و شاید از جهاتی، مبهم‌تر هم شده است و در بعضی موارد مثلا در زمینه مسائل اقتصادی کشور، قابل انتقادتر هم شده است.»

نوع موضع‌گیری افرادی که در میان مردم مرجعیت فکری دارند، در افزایش مشارکت موثر خواهد بود

ایمانی درباب اینکه دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی انتخاباتی می‌بایست چه اقداماتی انجام دهند تا مشارکت افزایش پیدا کند، می‌گوید: «دستگاه‌های حاکمیتی خیلی امکان اینکه میزان مشارکت را افزایش امیدوارکننده‌ای بدهند، ندارند؛ سوال این است که چه می‌توانند بکنند میزان مشارکت از ۴۰ درصد به ۶۰ درصد برسد. به نظر من خیلی کاری از دستگاه‌های حاکمیتی برنمی‌آید؛ نهایتا ممکن است، بگوییم که شورای محترم نگهبان یک درصد مختصری می‌تواند روی این موضوع تاثیر بگذارد، تاثیرگذاری شورای نگهبان هم بیشتر در جهت رعایت عدالت انتخاباتی خواهد بود تا اثرگذاری بر افزایش معنادار میزان مشارکت. چیزی که به نظر من در این وضعیت، تاثیرگذاری آن بر مشارکت بیش از دستگاه‌های حاکمیتی می‌توان باشد، موضع‌گیری نخگبان، اندیشمندان و افرادی است که مردم به آنها توجه دارند و سخن و مواضع آنهاروی افکارعمومی تاثیرگذار است. حتی هنرمندان، ورزشکاران، افراد صاحب فکر و قلم هم می‌توانند تاثیرگذار باشند؛ در واقع افرادی که به نوعی برای مردم مرجعیت فکری دارند، حضورشان در صحنه و تشویق مردم برای اینکه در تعیین سرنوشت خودشان، مشارکت کنند، تاثیر بیشتری دارد. در این میان فضای مجازی هم خیلی موثر خواهد بود و لازم است مقابله منطقی با فضای منفی که عمدتا از خارج کشور تغذیه می‌شود، صورت بگیرد. البته قطع و فیلتر و این روش‌ها، اصلا کارساز نیست و نتیجه عکس هم خواهد داشت. به نظر من اگر این تصمیم‌گیری‌ها اتفاق بیفتد، تاثیرش بیشتر از دستگاه‌های حاکمیتی خواهد بود.»

تحریک افکارعمومی منجر به کاهش میزان مشارکت خواهد شد

این کارشناس مسائل سیاسی درباره این موضوع که چه عوامل یا تصمیماتی می‌تواند بر افزایش میزان مشارکت مردم ضربه وارد کند نیز می‌گوید: «این موضوع را من یک مقدار گسترده‌تر مطرح می‌کنم، مساله صرفا به انتخابات مربوط نمی‌شود. به نظر من جریان‌هایی در کشور وجود دارند که تلاش می‌کنند انگشت در چشم مردم کنند، مردم را تحریک کنند، حتی بعضی از این جریان‌ها در دستگاه حکمرانی حضور دارند و موثرند و مردم را خواسته یا ناخواسته، تحریک می‌کنند؛ اعصاب مردم را به‌هم می‌ریزند. این موضوع را من به طور کلی و به طور مشخص در انتخابات، عرض می‌کنم، چون وقتی درباره انتخابات صحبت می‌کنیم نتیجه حرف من این خواهد شد که به محض اینکه انتخابات تمام شد، می‌توانیم کارهایی که می‌کردیم را شروع کنیم، صرفا درباره انتخابات صحبت نمی‌کنیم. من فکر می‌کنم که اگر برخی افراد در نهادها در این سه ماه هیچ اقدامی انجام ندهند و تنها انگشت در چشم مردم نکنند و مردم را عصبانی نکنند، کفایت می‌کند. می‌شود گفت برخی از اقدامات هیچ اثری جز تحریک افکار عمومی نخواهد داشت. این اقدامات نباید صورت بگیرد؛ به نظر می‌رسد برخی تنها می‌خواهند رفع تکلیف کنند؛ درحالی که نمی‌دانند این رفع تکلیف چه آثار سوئی در ارتباط بین مردم و حاکمیت دارد. نباید این اقدامات انجام شود. اگر به این موارد توجه شود، می‌شود گفت انتظار دیگری وجود ندارد. کار دیگری هم نمی‌توان کرد، دولت نمی‌تواند در سه ماه میزان تورم را از فلان رقم به فلان مقدار کاهش دهد، اما می‌تواند افکار عمومی را تحریک نکند. وقتی یک ارکستری در یک استانی می‌رود و با همه مجوزهای قبلی یک آقایی از مقامات این استان بلند می‌شود و جلوی برگزاری این کنسرت را می‌گیرد، این به مثابه تحریک افکار عمومی است. وقتی وزیر کشور می‌گوید کسانی که در مورد حجاب تذکر می‌دهند، ربطی به مردم ندارند و گروه‌های مردمی هستند، به نظر من به معنی تحریک افکار عمومی است، چون هیچ‌کدام از افکار عمومی مردم این حرف وزیر کشور را قبول نمی‌کنند. ممکن است درست باشد اما چه کسی این را می‌پذیرد؟ به نظر من این کارها و خیلی کارهای مشابهی که دارد انجام می‌شود، جز تحریک افکار عمومی هیچ نتیجه‌ای ندارد و نتیجه تحریک افکارعمومی نیز کاهش مشارکت خواهد بود.»